

صاحب‌نظران علوم انسانی ایران درباره ترجمان دانش^۱ چه می‌گویند؟

یک مطالعه کیفی

دکتر اورانوس تاج‌الدینی^۲

دکتر فهیمه باب‌الحوائجی^۳

علی سادات‌موسوی^۴

چکیده

هدف: ترجمان دانش به معنای کاربردی کردن آن چیزی است که می‌دانیم. به عبارت بهتر، فرایندی است که دانش را از شکل ذهنی آن به عرصه عمل منتقل می‌کند. تعاملات و گفتگوهای مستمر بین گروه‌های خلق‌کننده دانش و کاربران در همه مراحل پژوهش، بخش مهمی از ترجمان دانش را شکل می‌دهد. این پژوهش با هدف بررسی نظریات پژوهشگران شاخص علوم انسانی کشور در مورد ترجمان دانش در علوم انسانی ایران، به انجام رسیده است.

روش‌شناسی: این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی نظریه‌زمینه‌ای^۵ و ابزار مورد استفاده در آن مصاحبه ساختاریافته است. جامعه پژوهش را اعضای هیئت علمی گروه‌های علوم انسانی سراسر کشور تشکیل می‌دهند و مصاحبه‌شوندگان در آن، ۱۹ نفر از صاحب‌نظران شاخص گروه‌های علوم انسانی دانشگاه‌های سراسر کشور از رشته‌های مختلف علوم انسانی می‌باشند که دارای بیشترین تعداد پژوهش در حیطه خود هستند. برای تأمین روایی و پایایی این پژوهش، از روش ارزیابی لینکلن و گوبا^۶ استفاده شد.

1 . Knowledge Translation.

۲. عضو هیئت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران.

Tajedini@uk.ac.ir

۳. عضو هیئت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

F.babalhavaeji@Gmail.com

۴. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

Moosavi56@Gmail.com

5. Grounded Theory.

6. Lincoln and Guba.

اصالت: این پژوهش اولین تلاش صورت گرفته در مورد نگرش صاحب نظران علوم انسانی به ترجمان دانش است.

یافته‌ها: پس از کدبندی، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل اطلاعات، یافته‌های این پژوهش نشان داد صاحب‌نظران علوم انسانی، ترجمان دانش در این علوم را در پنج حیطه قابل تبیین می‌دانند که عبارتند از: تولید دانش، انتقال دانش، اشتراک دانش، محیط پژوهش و کاربرد دانش.

کلیدواژه‌ها: ترجمان دانش، کاربرد دانش، نظریه زمینه‌ای، کاربرد پژوهش.

۱. مقدمه و بیان مسئله

در حالی که هنوز در برخی کشورهای در حال توسعه، منابع طبیعی و ذخایر ملی عامل اصلی جهت پیشرفت به شمار می‌آیند و کاهش سرمایه‌های ملی یکی از نگرانی‌های اصلی این کشورهاست، جوامع اطلاعاتی و توسعه‌یافته ذخایر بی‌پایانی را یافته‌اند که با مصرف بیشتر، همچنان رشد یافته و سود بیشتری تولید می‌کنند. دانش و سرمایه‌های فکری این ثروت بی‌پایان را تشکیل می‌دهند؛ ثروتی که ریشه در ذهن پویای بشریت دارد. در دنیای امروز تولید دانش و به‌کارگیری آن در صحنه عمل و تصمیم‌گیری‌ها بزرگترین سرمایه دولتها و ملتهاست و محدودیت منابع اهمیت انتقال دانش و تلاش برای بهره‌برداری از نتایج پژوهشها را افزایش داده است. امروزه اهمیت انتقال دانش و استفاده از نتایج پژوهش برای تصمیم‌گیران در کشورهای پیشرفته و همچنین در کشورهای در حال پیشرفت روبه فزونی نهاده است، البته کشورهای کم‌درآمد به علت کمبود منابع با چالشهای بسیاری برای کاربردی کردن دانش روبه‌رو هستند (سانتسو و تاگول^۱، ۲۰۰۶). با شفاف‌تر شدن اهمیت دانش و سرمایه‌های فکری، توسعه «دانش‌محور» جزء ارکان پیشرفت علمی کشورمان قرار گرفته است. در همین راستا، مطالعات زیادی در زمینه انتقال دانش و استفاده از آن در صحنه عمل انجام و مشخص شده است که بین تولید دانش و استفاده از آن در صحنه عمل فاصله زیادی وجود دارد (صدیقی و همکاران، ۱۳۸۷). ترجمان دانش واژه نسبتاً جدیدی است که

صاحب‌نظران علوم انسانی ایران درباره ترجمان دانش چه می‌گویند؟... / ۲۵

توسط مؤسسه تحقیقات پزشکی کانادا^۱ در اوّلین سال قرن بیست و یکم تعریف گردید. آنچه در ترجمان دانش اصل است، توجه به فرایند پیوند «پژوهش» و «عمل» است و نیز به اطمینان از استفاده بهینه دانش مربوط به نتایج تحقیقات در بهبود سطح زندگی افراد اشاره دارد (ریچ^۲، ۱۹۷۹ نقل در فضلی، ۱۳۹۰). آنچه در ترجمان دانش مورد تأکید است، عملیاتی کردن نتایج پژوهش است. در واقع، در این حیطه، چالشهای پیش روی هر علم در فرایند تولید تا عمل، تحلیل و بررسی می‌شود.

جامعه دانشگاهی، مهمترین و معتبرترین سرمایه انسانی هر کشور در امر تولید علم را تشکیل می‌دهد که می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح، به‌موقع و مطابق با نیازهای جامعه، در راستای ارتقای کیفیت ارائه خدمات و تولیدات علمی، مؤثر واقع شود. چون مبانی پیشرفت و ارتقای هر کشور در نظام آموزش عالی آن کشور نهفته است، یکی از وظایف مهم جامعه دانشگاهی کشف، حفظ، تکامل، انتقال و به‌کارگیری دانش است که در پرتو پرکردن شکاف بین تحقیق و کاربرد آن، یعنی ترجمان دانش، میسر می‌گردد.

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، علوم انسانی در شاکله نظام آموزش عالی دارای نقش محوری است؛ لذا همگان بر این باورند که تقویت این علوم و ارتقای جایگاه آنها نقش بسیار اساسی در رشد، نمو و تعالی نظام آموزشی جامعه خواهد داشت. ترجمان دانش مبحثی است که بیشتر در حوزه علوم پزشکی مطرح شده است، اما کسب معرفت از پدیده‌ها و رویدادهای انسانی و اجتماعی به‌عنوان واقعیات علمی، هدف بسیاری از عالمان و اندیشمندان قرار می‌گیرد و علوم انسانی نیز مانند سایر علوم برای شکوفایی در چرخه دانش نیاز به کاربردی بودن و کاربردی شدن دارد. با توجه به سرفصل‌ها و شعارهای درخشان علوم انسانی و توجهی که امروزه به تولید، انتقال و کاربرد علوم انسانی می‌شود، تأثیر و بازنمون عملی دستاوردهای این علوم در جامعه، بسیار کم‌رنگ است. بالا رفتن آمار طلاق، رشد بی‌اخلاقی‌ها و بداخلاقی‌ها در بخشهای مختلف

1. Canadian Institutes of Health Research- CIHR.

2. Rich.

جامعه، افزایش آمار معتادان، سست شدن بنیان خانواده‌ها، بی‌رنگ شدن آموزه‌های دینی و اخلاقی، سردرگمی‌ها و آلودگی‌های اطلاعاتی و صدها نمونه دیگر گواهی بر این ادعا و نشان‌دهنده کاربردی نشدن نتایج هزاران پژوهش انجام شده در رشته‌های مختلف علوم انسانی در بطن جامعه کنونی است. حتی در روزگار پیشرفته و فن‌آورانانه امروزی، کاربرد نیافتن علوم که با ماهیت و کنش درونی انسانها سروکار دارد، چنین عواقب اسفبار و جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. با توجه به اهمیت علوم انسانی در زندگی انسانها و با توجه به تأثیرهای منفی کاربردی نشدن این علوم در سطح جامعه، پژوهشگران بر آن شدند که با بهره‌گیری از دیدگاه‌های دانشمندان و اندیشمندان حوزه علوم انسانی، فرایند ترجمان دانش را در این حوزه بررسی کنند، تا شاید در این مقوله پنجره‌ای رو به فردا باز شود.

۲. مروری بر پژوهشهای انجام شده

مطالعه متون و جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف داخلی و خارجی نشان داد در رابطه با ترجمان دانش و ابعاد مختلف آن پژوهشهای انگشت شماری صورت گرفته که بیشترین آنها در حوزه پزشکی است. در ادامه به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود. «فضلی» (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «فرایند ترجمان دانش در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی» با هدف بررسی فرایند ترجمان دانش در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی در بین نمونه‌ای هدفمند متشکل از ۱۲۹ نفر از اعضای هیئت علمی، کتابداران و دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی در هفت دانشگاه علوم پزشکی در ایران با روش پیمایشی تحلیلی، به این نتیجه دست یافت که بهره‌برداری صحیح از دانش و استفاده از نتایج پژوهش، بازدارنده هدررفتن بودجه و زمان است، لذا ساماندهی پژوهشها به نحوی که نتایج آنها در عملکرد علمی ذی‌نفعان پژوهش تبلور پیدا کند، بسیار مهم است.

«سالمی و همکاران» (۱۳۸۹) مطالعه‌ای را با عنوان «شناسایی موانع به‌کارگیری یافته‌های تحقیقاتی در عملکرد بالینی مراکز درمانی کشور» به صورت مطالعه گروهی

صاحب‌نظران علوم انسانی ایران درباره ترجمان دانش چه می‌گویند؟... / ۲۷

متمرکز انجام دادند. بنا بر نتایج حاصل از این پژوهش، موانع شناخته‌شده در امر به‌کارگیری نتایج پژوهش را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱- حیطه سازمانی ۲- کیفیت پژوهش ۳- آگاهی و مهارت پرستار و ۴- موانع مربوط به دسترسی به نتایج پژوهش. این پژوهش بیشتر بر مسائل مربوط به حیطه سازمانی تمرکز دارد و موانع آن را برشمرده است.

«دانایی و همکاران» (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی وضعیّت انتقال (ترجمان) دانش با تأکید بر انتقال یافته‌های پژوهشی در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سال ۸۸-۱۳۸۷» نشان دادند میانگین حاصل از سؤالهای بخش شناسایی نیاز مخاطبان و تبدیل آن به پروژه‌های پژوهشی ۲/۷۸، میانگین حاصل از سؤالهای بخش تولید شواهد قابل استفاده در تصمیم‌گیری‌ها ۲/۸۷، میانگین حاصل از سؤالهای بخش کاربرد نتایج پژوهشها توسط کاربران نهایی ۲/۶۲ و در نهایت میانگین کل ۲/۷۵ بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد، تفاوت چندانی در انتقال و ترجمان دانش بین زنان و مردان با سابقه کار و انجام پژوهش متفاوت، وجود نداشته است. همچنین، میانگین کل انتقال و ترجمان دانش در دانشگاه در حد متوسط و از وضعیّت مناسب و ایده‌آل انتقال و ترجمان دانش پایین تر بود. این امر بیانگر انتقال نامناسب یافته‌های پژوهشی است که با رفع موانع و ارائه راهبردهای مناسبی همچون تشویق پژوهشگران به انتقال یافته‌های پژوهشی خود به کاربران، می‌توان ترجمان دانش در دانشگاه را ارتقا بخشید. البته، به نظر می‌رسد در این پژوهش مرز مشخصی میان انتقال و ترجمان دانش قایل نشده و آنها را تقریباً هم‌معنی در نظر گرفته‌اند، در صورتی‌که این دو مقوله مرتبط، مکمل ولی کاملاً مجزاً هستند.

«تانا^۱ و همکاران» (۲۰۱۱) پژوهشی تجربی با عنوان «بررسی نقش اشاعه‌گزینشی اطلاعات از طریق ایمیل آلت در تبدیل دانش تئوری به عمل» انجام دادند. در این مطالعه، ۱۶۸۳ نفر از اعضای استفاده‌کننده «مجله کلیه‌شناسی» به‌عنوان جامعه پژوهش

1. Tanna.

انتخاب و به طور تصادفی به دو گروه تقسیم شدند. سپس ایمیل آلرت^۱ مجله به گروه آزمون ارسال و به گروه گواه ارسال نگردید. نتایج مطالعه بیانگر نقش معنادار ایمیل آلرت در ایجاد آشنایی با زمینه کلیه شناسی بود، اما نتایج پژوهش نشانگر عدم معناداری ایمیل آلرت در امر ترجمان دانش گردید.

«کوران»^۲ (۲۰۰۹) با هدف تدوین یک مدل تبادل و بهره‌برداری از دانش در بخشهای اورژانس، مطالعه‌ای را به انجام رساند که بیانگر معرفی یک مدل با عنوان «تغییر و بهره‌وری از دانش در عملکرد اورژانس» بود. در این مدل، برخلاف سایر مدل‌های ترجمان دانش، به چالشی بودن محیط اورژانس، اهمیت کیفیت ارائه خدمات در این بخش و نیز اهمیت توجه به عناصر دیگری غیر از دانش و پژوهش تولیدشده در به‌کارگیری نتایج پژوهش، پرداخته شده است. در این مطالعه، متخصصان، افراد عادی و مراجعان نیز به عنوان نقش‌آفرینان فرایند تبدیل دانش تئوری به عمل و استفاده از آن، در نظر گرفته شده‌اند. مدل یاد شده در تعمیم به جوامع بزرگتر و اورژانسهای مختلف، موفق عمل نموده است.

«برایر^۳ و همکاران» (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای موانع استفاده از نتایج پژوهشها در بین پرستاران را بررسی و آنها را این‌گونه برشمردند:

- نبود وقت کافی
 - نداشتن قدرت برای انجام تغییرات
 - حمایت نکردن مدیران و همکاران (به‌خصوص پزشکان) برای انجام تغییرات مورد نیاز
 - نداشتن مهارت برای ارزیابی پژوهش‌ها و درک‌نکردن آزمونهای آماری
- وی اظهار می‌دارد که این موانع به سایر حوزه‌ها نیز قابل تعمیم بوده و در محیطهای مختلف قابل رؤیت است.

1. Alert.
2. Curran.
3. Brayer.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. طرح پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی نظریه‌زمینه‌ای^۱ است. پژوهش‌های کیفی به‌طورکلی با درکی انسان‌گرایانه و پدیدارشناسانه، به مطالعه کنش‌های اجتماعی پرداخته و تلاش خود را بر دید علمی از دیدگاه مؤلفه‌های انسانی متمرکز می‌کند. راهبرد پژوهش کیفی شامل روش‌های مختلفی است. یکی از این روش‌ها، نظریه‌زمینه‌ای است. منظور از نظریه‌زمینه‌ای، نظریه‌برگرفته از داده‌هایی است که طی فرایند پژوهش به‌صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند (حریری، ۱۳۸۵). در همین راستا، با توجه به این‌که رویکرد ارائه نظریه‌پیشنهادی ترجمان دانش از سوی صاحب‌نظران علوم انسانی کشور، توجه به موقعیتها و افراد خاص و توجه به معانی، دیدگاه‌ها و ادراک‌های خاص آنهاست و پژوهشگر به جای این‌که مطالعه خود را با نظریه از پیش تصور شده‌ای آغاز کند؛ کار را با حوزه ترجمان دانش شروع کرده و اجازه داده است که نظریه از دل داده‌ها پدیدار شود، روش پژوهش حاضر، کیفی نظریه‌زمینه‌ای است.

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مصاحبه ساختاریافته^۲ است که بر اساس آن پژوهشگران فهرستی از پرسش‌های موردنظر را به‌عنوان برگه راهنمای مصاحبه^۳ در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار دادند. برگه راهنمای مصاحبه صرفاً مشخص‌کننده موضوعاتی است که مصاحبه‌آنها را پوشش خواهد داد (حریری، ۱۳۸۵). مصاحبه‌ها به دو صورت مصاحبه رودررو و مصاحبه از طریق پست الکترونیک^۴ صورت گرفت. مصاحبه‌های رودررو در یک جلسه و مصاحبه‌هایی که از طریق پست الکترونیک انجام می‌شد، در دو جلسه انجام گردید. مصاحبه‌های رودررو با استفاده از دستگاه ضبط صدا ضبط شده، هر یک بلافاصله پیاده‌سازی و کدگذاری و تحلیل اولیه شد. پژوهشگران

-
1. Grounded Theory.
 2. Structured Interviews.
 3. Interview guide.
 4. Email interview.

همچنین به‌طور مداوم یادداشتهای در عرصه^۱ تهیه می‌کردند. در مورد شرکت‌کنندگانی که امکان مصاحبه حضوری با آنها وجود نداشت، مصاحبه از طریق پست الکترونیک به‌عنوان روشی نو و مورد قبول (مهو^۲، ۲۰۰۶) استفاده شد. پرسشهای این مصاحبه بر اساس موضوع ترجمان دانش طراحی و در اختیار جامعه پژوهش قرار گرفت. گزارش نهایی پس از کدبندی، طبقه‌بندی اطلاعات و تحلیل آنها تهیه شد.

۲-۳. روایی و پایایی پژوهش

برای تأمین روایی و پایایی این بخش پژوهش، از روش ارزیابی لینکولن و گوبا^۳ (۱۹۸۵) که معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی است، استفاده گردید. بدین‌منظور، بر پایه این روش، سه معیار اعتبار (باورپذیری^۴)، انتقال‌پذیری^۵، اطمینان‌پذیری^۶ جهت ارزیابی در نظر گرفته شد. برای دستیابی به هر یک از این معیارها، کارهای زیر انجام گرفت.

- اعتبار (باورپذیری): صرف زمان کافی برای پژوهش، تأیید داده‌های مصاحبه توسط مصاحبه‌شونده پس از پیاده‌سازی، تأیید فرایند پژوهش توسط چند متخصص، اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران با استفاده از دو کدگذار دیگر برای کدگذاری چند نمونه مصاحبه، نوشتن یادداشت دامنه و یادآور در طول پژوهش.
- انتقال‌پذیری: کسب نظر و تأیید چند پژوهشگر کلیدی در حوزه علوم انسانی که در پژوهش مشارکت نداشتند درباره یافته‌های پژوهش.
- اطمینان‌پذیری: ثبت و ضبط تمامی جزئیات پژوهش و یادداشت‌برداری در تمامی گامهای کار.

1. Field Note.
2. Meho.
3. Lincoln and Guba.
4. Credibility.
5. Transferability.
6. Dependability.

۳-۳. جامعه‌ آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ آماری این پژوهش کلیه‌ اعضای هیئت علمی گروه‌های علوم انسانی دانشگاه‌های سراسر کشور است. به علت گستردگی جامعه‌ مذکور، پژوهشگران ناگزیر به نمونه‌گیری هستند. نمونه‌گیری در پژوهشهای کیفی بسیار متفاوت از پژوهشهای کمی است زیرا هدف آن به جای تعمیم یافته‌ها، کسب درک عمیق از پدیده‌ی مورد بررسی است. در پژوهش کمی تأکید زیادی بر انتخاب تصادفی و شانس برابر برای همه‌ی اعضای جامعه‌ی مورد پژوهش وجود دارد، اما در پژوهشهای کیفی نمونه‌ی پژوهش یا به عبارت صحیح‌تر مشارکت‌کنندگان، انتخاب یا دعوت می‌شوند (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱). شیوه‌ی نمونه‌گیری در پژوهشهای کیفی، نمونه‌گیری هدفمند است که نمونه‌گیری غیراحتمالی، هدفدار یا کیفی نیز نامیده می‌شود و به معنای انتخاب هدفمند واحدهای پژوهش برای کسب دانش یا اطلاعات است. در این روش نمونه‌گیری که خاصاً پژوهشهای کیفی است، تعداد افراد مورد مصاحبه به اشباع نظری^۱ سؤالهای مورد بررسی بستگی دارد، به این ترتیب که هرگاه پژوهشگر به این نتیجه برسد که پاسخهای داده شده و یا مصاحبه‌های انجام شده با افراد مطلع به اندازه‌ای به همدیگر شباهت دارند که سبب تکراری شدن پاسخها و یا مصاحبه‌ها شده و داده‌های جدیدی در آنها وجود ندارد، تعداد مصاحبه‌ها را کافی دانسته و دست از مصاحبه می‌کشد (محمدپور و رضایی، ۱۳۷۸).

برای انتخاب نمونه‌ی پژوهش حاضر، از روش متوالی نظری استفاده شده است. در نمونه‌گیری نظری که به عنوان روش غالب در نظریه‌ی زمینه‌ای شناخته می‌شود، نمونه‌ها به شکلی انتخاب می‌شوند که به خلق نظریه کمک کنند. گروه‌های علوم انسانی سراسر کشور طبق اعلام وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کشور مشتمل بر ۴۷ رشته اصلی مختلف در ۵ زیرگروه متفاوت می‌باشند که ابتدا رشته‌های موردنظر به صورت تصادفی هدفمند انتخاب و سپس در هر رشته، بر اساس هدف پژوهش حاضر، سابقه‌ی پژوهشی

1. Theoretical saturation.

به‌عنوان شاخص اصلی برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان در نظر گرفته شده است زیرا ترجمان دانش اصولاً به فرایند پرکردن شکاف بین پژوهش و عمل اطلاق می‌گردد و کسانی می‌توانند در این مورد به‌عنوان صاحب‌نظر هر رشته، شاخص قرار گیرند که دارای بیشترین سابقه پژوهشی و بالاترین شاخص هرش^۱ براساس پایگاه اسکوپوس^۲ هستند. نمونه‌گیری تا آنجا ادامه پیدا کرد که پژوهشگران به اشباع رسیدند. منظور از اشباع، شباهت قابل توجه اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها با اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های قبلی است. نمونه‌گیری و مصاحبه تا زمانی ادامه پیدا کرد که فرایند تجزیه و تحلیل و اکتشاف به اشباع نظری رسید. در این راستا، ۱۹ نفر از صاحب‌نظران علوم انسانی مورد مصاحبه قرار گرفتند که از نظر مرتبه علمی در سه دسته به‌صورت زیر قابل تفکیک هستند (جدول ۱). بنا بر موارد بالا، جامعه این پژوهش در بخش کیفی مشتمل بر ۱۹ نفر از پژوهشگران شاخص علوم انسانی ایران است.

جدول ۱. نمونه آماری پژوهش

سطح نمونه	تعداد مصاحبه
استاد	۸
دانشیار	۷
استادیار	۴
مرتبّی	۰
جمع کل	۱۹

1. h-Index.

2. Scopus.

۴. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در پژوهش‌های کیفی فنون ثابت و سریعی برای تحلیل داده‌ها وجود ندارد و پژوهش کیفی کاری ذهنی و تفسیری است. پژوهشگر کیفی در بطن فرایند تحلیل داده‌ها قرار دارد و کاملاً درگیر فرایند پژوهش است، و احتمالاً شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی به اندازه تعداد پژوهشگران کیفی تنوع دارد (محمدپور، صادقی و رضایی، ۱۳۸۹).

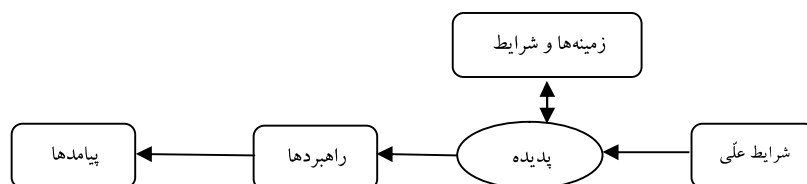
برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده در بخش کیفی و رسیدن به نظریه، از روش کدگذاری نظری^۱ استفاده شد. این روش از این جهت مناسب تشخیص داده شد که روشی استقرایی و اکتشافی است و به‌عنوان روشی راهگشا، با تجزیه و تحلیل متن به جزئیات و مفهومی‌های دقیق، امکان تعریف یک نظریه یا الگو را فراهم می‌آورد (ادیب‌حاج‌باقری، ۱۳۸۵). در این روش، با مقایسه مداوم در رویکرد نظریه‌زمینه‌ای اشتراوس و کوربین^۲ کدگذاری در سه مرحله^۳ باز، محوری^۴ و انتخابی^۵ انجام گردید؛ به این ترتیب که پس از نسخه‌برداری از داده‌ها و ذخیره آنها ابتدا در رمزگذاری باز، رمزهای مناسب به بخشهای مختلف داده‌ها اختصاص یافته و این رمزها در قالب مقوله‌های گویا دسته‌بندی شدند. سپس پژوهشگر با اندیشیدن در مورد ابعاد متفاوت این مقوله‌ها و یافتن پیوندهای میان آنها و نیز استفاده از متون مرتبط، به رمزگذاری محوری اقدام نموده و سپس در کدگذاری انتخابی به انتخاب مقوله هسته و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها پرداخت.

۵. یافته‌های پژوهش

درخصوص تحلیل مرحله‌ای یافته‌ها می‌توان گفت، در مرحله اول با تفکیک و بررسی متون مصاحبه‌ها، کدگذاری باز با جزء‌به‌جزء کردن اطلاعات انجام گرفت و به

-
1. Theoretical Coding.
 2. Straus and Corbin.
 3. Open Coding.
 4. Axial Coding.
 5. Selective Coding.

شکل‌بندی مقوله‌های اطلاعات درباره ترجمان دانش در علوم انسانی پرداخته شد و براساس داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها و یادداشتهای فنی (حاصل از عملیات میدانی) ۷۵ گزاره مفهومی احصاء گردید. در مرحله دوم که کدگذاری محوری نام دارد، داده‌های خردشده در جریان کدگذاری باز دوباره کنار هم گذاشته و مقوله‌های دارای بیشترین میزان ارتباط با مسئله پژوهش، از میان رمزها و یادداشتهای مربوط انتخاب شدند. در کدگذاری انتخابی به تعیین مقوله اصلی^۱ و نیز دسته‌بندی سایر مقوله‌ها شامل شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و واسطه‌ای و عواقب و بروندها پرداخته شد. بدین طریق، الگوی اولیه نظریه زمینه‌ای برای پژوهشگر آشکار شد (شکل ۱). به عبارت دیگر، صاحب‌نظران رشته‌های علوم انسانی بر آن بودند تا تلویحاً به این موضوع اشاره کنند که چه عواملی به عنوان موجبات علی می‌تواند به کاربرد دانش منجر گردد و این مفهوم بر اساس چه راهبردی به چه پیامدهایی منتهی می‌گردد و در این رهگذر چه عوامل زمینه‌ای و محیطی بر آن اثرگذارند.



شکل ۱. مدل پارادایمی کدگذاری نظری

در اثنای پژوهش، این نتیجه حاصل گردید که غالب شرکت‌کنندگان به مفهوم «کاربرد دانش» به عنوان عنصر کلیدی ترجمان دانش می‌نگرند. پس از این، مقوله کاربرد دانش به عنوان نامزد مقوله اصلی مدنظر پژوهشگر قرار گرفت و با مراجعه به یادداشتهای قبلی و مبانی نظری موضوع، اطمینان بیشتری در این مورد حاصل شد.

صاحب‌نظران علوم انسانی ایران درباره ترجمان دانش چه می‌گویند؟... / ۳۵

بدین ترتیب، با ادامه مصاحبه‌ها، مقوله‌های مختلف در قالب‌هایی دسته‌بندی شدند که برخی مقوله‌ها به‌عنوان موجبات علی برای تحقق مقوله اصلی مشخص، برخی به‌عنوان عوامل زمینه‌ای و محیطی و برخی نیز به‌عنوان راهبرد و عواقب تعیین گردیدند. جزئیات مراحل کدگذاری، در جدول ۲ تبیین شده است.

جدول ۲. کدگذاری داده‌های راهبرد کیفی در سه مرحله

کد	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
A1	علاقه فردی	ایده‌ها اولویتهای پژوهشی رقابت تسهیلات و امتیازات یافته‌های جدید	تولید دانش
A9	نیازهای جامعه		
A11	نیاز سازمانهای ذی‌ربط		
A12	ارضای ذهن جستجوگر		
A14	نیاز سازمانهای حمایت‌کننده		
A16	برقراری ارتباط		
A21	تربیت افراد		
A23	کارگروهی		
A26	ارتقای فردی		
A29	آینده‌پژوهی		
A30	کسب مدرک		
A31	مسئولیتهای آموزشی		
A33	مسئولیتهای اجرایی		
B1	تصحیح اطلاعاتی	خط‌مشی‌ها محیط ارتباطی آموزش ارزشیابی و بازبینی	انتقال دانش
B5	بهینه‌سازی ساختار سازمانی		
B8	طراحی بانکهای مشترک اطلاعاتی		
B12	رسانه‌ها		
B13	استفاده بهینه آموزشی		

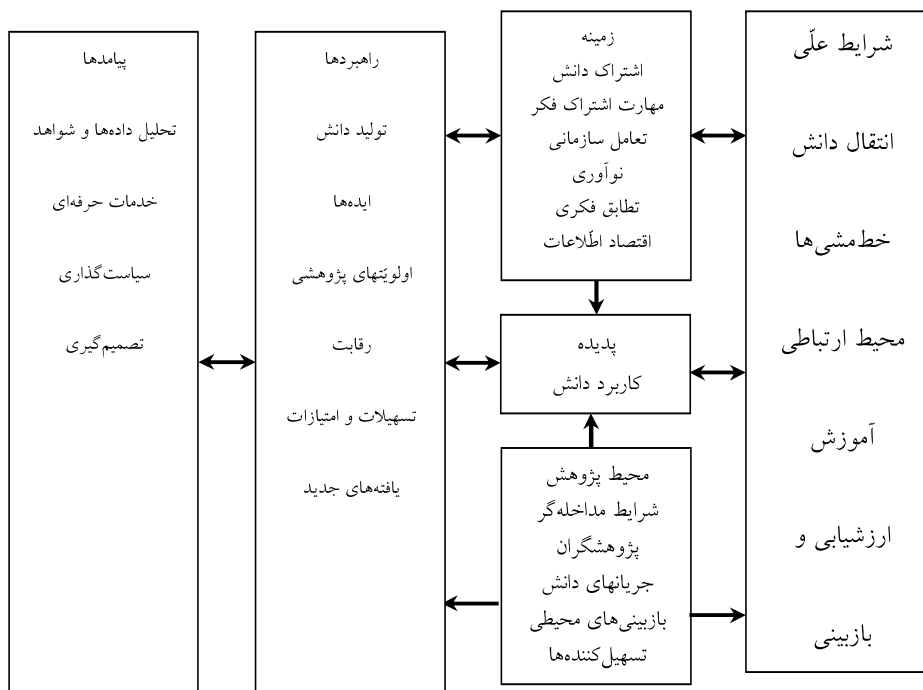
B15	روزآمدی		
B16	شناخت راه‌های تأثیر علمی		
B17	دسترس‌پذیری		
B19	تمایلات اجتماعی		
B21	بازاریابی اطلاعاتی		
B23	شرکت در جشنواره‌ها		
B24	جذب بودجه پژوهشی		
B27	تعیین استانداردهای منتج از پژوهشها		
B28	معرفی توانمندیها		
B31	شایسته‌پروری		
B33	ایجاد سیستم ارتباطی		
B40	مهارت‌آموزی		
C1	هزینه / سوددهی		
C13	گسترش تعاملات اجتماعی		
C16	افکار بالنده علمی		
C21	متقاعد نمودن استفاده‌کنندگان		
C23	ساده‌سازی فرایند ارتباط فکری		
C25	جذب سفارش‌دهندگان		
C27	علاقه‌مشترک		
C29	تسهیل ارتباطات		
C30	نیاز مشترک سازمانی		
C31	دسترسی به منابع		
C33	توفیق‌طلبی		
C35	روحیه تیمی		
C36	جلب اعتماد		
		مهارت اشتراک فکر تعامل سازمانی نوآوری تطابق فکری اقتصاد اطلاعات	اشتراک دانش

صاحب‌نظران علوم انسانی ایران درباره ترجمان دانش چه می‌گویند؟... / ۳۷

C37	پذیرش تغییر				
C38	منافع مالی				
C40	انعطاف‌پذیری				
C41	تکراری بودن موضوعات				
D1	عواملان پژوهشی	<p>پژوهشگران جریانهای دانش بازبینی‌های محیطی تسهیل‌کننده‌ها بازدارنده‌ها</p>	<p>محیط پژوهش</p>		
D5	مرزهای ارتباطات				
D11	لابی‌های جذب سرمایه‌های پژوهشی				
D15	دیوان‌سالاری				
D16	متولّی‌های پژوهشی				
D17	فقدان بستر مناسب ارتباطات علمی				
D19	موانع سیاسی				
D21	موانع ارتباطی				
D22	حقوق معنوی				
D23	شبکه‌های اجتماعی				
D24	پارکهای علم و فن‌آوری				
D34	تسهیل ارتباطات از راه‌دور				
E1	نقش شواهد پژوهشی در نظام تصمیم‌گیری			<p>تحلیل داده‌ها و شواهد خدمات حرفه‌ای سیاست‌گذاری تصمیم‌گیری</p>	<p>کاربرد دانش (cc)</p>
E9	مسئله اعتماد به یافته‌های پژوهشی				
E13	استفاده از زبان مناسب پژوهشی				
E18	تعهد				
E19	نیازهای فوری				
E23	منافع علمی				
E25	هوشیاری استفاده‌کنندگان				

E26	تصمیمات علم‌پایه		
E27	تحلیل نیازهای واقعی		
E28	نقشه علمی		
E30	روزآمدی		
E33	پیشرفتهای فن‌آورانانه		
E34	الفای عقاید جدید		
E36	انگیزه‌انگیزی		
E37	یادگیری		
E38	ارزیابی فرصتها		

پس از آشکار شدن روابط بین مقوله‌ها و تبیین عوامل زمینه‌ای، طرح اولیه زیر از کدگذاری‌ها قابل ارائه است (شکل ۲).



شکل ۲. مدل پارادایمی ترجمان دانش در علوم انسانی

۶. نتیجه‌گیری

کاربرد نتایج پژوهشها هدف نهایی و آرمانی پژوهشگران است. ایده‌ها و دانش به دست آمده، بدون جهت‌گیری در مورد این که چه کسی آنها را مطرح کرده است، در صورت مفید و مناسب بودن، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این حلقه، به‌آمیختن دانش با عمل توجه دارد. به‌کارگیری نتایج پژوهشها به شاخصهای پیشگویی‌کننده‌ای مانند میزان تسلط استفاده‌کنندگان به موضوع پژوهش، ارتباط بین پژوهشگران و استفاده‌کنندگان و نحوه تشریح دانش، وابسته است.

محافل علمی به مثابه شبکه‌ای هستند که طیف گسترده‌ای از دانش، از جرعه ابتدایی ایده‌ای ذهنی بر اساس هر نوع انگیزه تا نظریه‌ای کلان یا طرح یک پارادایم را دربرمی‌گیرند. تولیدات علمی پژوهشگران در صورت منتقل و قضاوت شدن، ارزش علمی یافته و عبارت تولید علمی درباره آنها مصداق دارد. پژوهشگر با آموختن زبان علمی می‌تواند دانش خود را از رهگذر سازوکارهای گوناگونی از جمله نشریات، کتابها، میزگردها، همایشها، روزنامه‌ها و فضای مجازی و هر نوع رسانه دیگر ارائه دهد. ارزشیابی و ارزش‌گذاری تولیدات علمی، به تأیید یا رد این دانش در انعکاس استنادها و استقبال از آن و میزان اعتبارش در عمل بستگی دارد. البته، ممکن است برخی از جوامع علمی ایده، نظریه یا دیدگاهی را تأیید و شماری دیگر همان را رد کنند که حاکی از تفاوت در ظرفیتهای علمی و حسی هرکدام از محافل علمی است. انتقال دانش به هر شکل بر اساس خط‌مشی‌های نهفته در سیاستهای علمی در سنگر حوزه‌های تعلیم و ترمیم درونی جامعه علوم انسانی نقطه عطف شمرده می‌شود. ارتباط شکل گرفته در فرایند تولید-انتقال، نشانگر تکیه بر مآخذ مفهومی و حالت‌های درونی محافل علمی است که بستر این فرایند را تشکیل می‌دهد. بدیهی است، تولیدات علمی منتقل شده رُستگاری برای ایده‌ها و انگیزه‌های نوین آتی خواهند بود.

محیط و فضایی که اعمال پژوهشی در آن صورت می‌گیرد و مؤلفه‌های مربوط به آن، نقش بسیار پررنگی در چگونگی شکل‌گیری و تکامل چرخه پژوهش دارند. خرده سامانه‌ای که ساختار و چارچوب عوامل زمانی و مکانی مؤثر بر تولید و انتقال دانش را

تشکیل داده و به‌عنوان جریان دانش شناخته می‌شود، یکی از عوامل مهم در تثبیت شرایط پژوهش است. تولیدات علمی با قرار گرفتن در معرض عوامل محیطی که فایده‌مندی و مطلوبیت آنها را مورد سنجش قرار می‌دهند، ارزش‌گذاری و آبدیده می‌شوند. در واقع، محیط پژوهشی، واکاوی نظارت بر چگونگی انتقال و اشتراک دانش را برعهده دارد. تأثیر محیط بر پژوهش و پژوهشگر در سطوح مختلف با عوامل مداخله‌گر تسهیل‌کننده و بازدارنده عجین شده است. نکته قابل توجه در این الگو عاملان پژوهشی هستند که یکی از شاخصهای محیطی انگاشته شده‌اند. عاملان پژوهشی به‌عنوان بُعدی تفکیک‌ناپذیر از شرایط محیط، مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته‌اند. علت این امر تأثیرهای مشخص متغیرهای محیطی بر سطوح مختلف رفتار پژوهشی و فکری پژوهشگران است. ایجاد، حرکت، توزیع و پخش دانش بین افراد و پایگاه‌های دانش به‌طور مکانیزه و غیر مکانیزه در یک فضای منحصر و مرتبط به‌صورت دو سویه انجام می‌پذیرد. بدیهی است، تغییر هر مؤلفه در فضای پژوهش ادراکهای دانشی، عاملان پژوهش را تحت تأثیر قرار می‌دهد زیرا تنها در محیطی مبتنی بر دانش است که پژوهشگران می‌توانند بینش صحیح و دیدگاه‌های علمی خود را همچنان حفظ کنند و با رویکردی مثبت در زمینه ابداع، اشاعه، و افزایش ارزش افزوده اطلاعات گام بردارند. در همین راستا، شرکت‌کننده شماره ۱۷ این پژوهش، درک پژوهشگران از اصول حاکم بر الگوهای دانش و استفاده عملی از آنها را بخشی از محیط دانشگاه می‌داند. همچنین، عقیده شرکت‌کننده شماره ۳ این پژوهش مبنی بر این بود که «ماهیت محیط پژوهش است که افرادی را با عنوان پژوهشگر به تولید، انتقال و کاربست دانش وامی دارد».

تولید دانش در علوم انسانی تلاش در جهت ایجاد بنیانهای علمی نو و انتشار تفکر زاینده پژوهشگر است. کوششی ممدوح هم‌راستا با پیشرفتهای ایدئولوژیک و ذهنی جامعه فراگیر این علوم که از پایین‌ترین تا بالاترین اقشار هرم جامعه را دربردارد، تولید دانش نام می‌گیرد. کسانی که در حوزه‌های علوم انسانی سررشته دارند، می‌دانند که «تولید دانش علمی - دانشگاهی» فعالیت اجتماعی بوده و بر دو محور کار و تعامل

صاحب‌نظران علوم انسانی ایران درباره ترجمان دانش چه می‌گویند؟... / ۴۱

اجتماعی استوار است. تولید دانش تراوشهای علمی ذهن پویای پژوهشگران با تکیه بر ایده‌ها و نیازهای فکری آنهاست. انجام فعالیت‌های علمی - پژوهشی در قالب کتاب، مقاله، طرح پژوهشی، نقد، پایان‌نامه و... رفتار تولید دانش را شکل می‌دهد. تولید دانش که اصولاً با هدف اکتشاف و ارائه یافته‌های جدید انجام می‌پذیرد، یکی از راه‌های نقب به اولویتهای علم‌ورزی پژوهشگران است. واضح است، تمام این عوامل در صورت استفاده سالم، از عوامل مولد قابل احترام و تأثیرگذار هستند. در تولید دانش، تأمل در چارچوبهای مفهومی و هنجاری جامعه علمی، سایه‌ای مثبت و روح‌افزا بر سر تکامل چرخه ترجمان دانش خواهد بود.

امروزه در دنیای دانش‌بنیان، اشتراک دانش عنصر کلیدی برنامه‌های مدیریت دانش کارآمد و مؤثر است. اشتراک هدفمند دانش در گروه‌های علمی، به بهبود یادگیری فردی و سازمانی منجر گشته، خلاقیت را توسعه داده و در نهایت سبب عملکرد مفید فرد، سازمان و گروه علمی می‌شود. اشتراک دانش ابزاری برای شناسایی نقاط ضعف و قوت فرایند فکری فردی و سازمانی در جهت پوشش کاستیها، تقویت فرصتها و ارائه نکات نوآرمانانه و مبتکرانه است. اشتراکهای علمی در ابعاد متفاوت اعم از تولید یا کاربرد مولد پیش‌بینی راهبردهای مناسب جهت ایجاد ارتباطات علمی بهینه، کسب وجهه اجتماعی مناسب و دستاوردهای علمی مقتصدانه است. امروزه نهادینه‌شدن سیاستها و برنامه‌های مرتبط با اشتراک دانش همگام با تسهیل اشتراکات در سایه فناوریهای نوین اطلاعاتی و دگرذیسی تفکر علم فردی و انحصاری، پژوهشگران را در تشریح کوله‌بار علمی خود یاری می‌نماید. اشتراک دانش استفاده بهتر و کارآمدتری را در سازمان به همراه می‌آورد، زیرا زمانی که افراد به جذب و کاربرد آنچه می‌دانند می‌پردازند، تبادل، اشاعه و کاربرد دانش افزایش می‌یابد. شرکت‌کننده شماره ۱۲ این پژوهش به نکته جالبی در این مورد اشاره کرد: «پژوهشگری که گروهی را ترک می‌کند، خواه دانشجوی باشد یا استاد، دانش، مهارتها و تجربه‌های ارزشمند خویش را نیز با خود می‌برد و یا افرادی ممکن است در پُستهای جدیدی گمارده شوند و هرگز از آن مجموعه دانش که طی سالها در یک حوزه کسب کرده‌اند، استفاده عملی نکرده و آن

دانش را به دیگران نیز انتقال ندهند، اما اشتراک دانش می‌تواند راهی برای استفاده و ارائه دانش افرادی باشد که گروه به هر نحو آنها را از دست می‌دهد؛ یعنی افراد دیگر با استفاده از مهارت اشتراک دانش و تعامل، آن دانش را وارد چرخه ترجمان دانش می‌کنند».

۷. منابع

- ادیب حاج‌باقری، محسن (۱۳۸۵). روش تحقیق گراندتئوری، راه و روش نظریه‌پردازی در علوم انسانی و بهداشتی. تهران، نشر و تبلیغ بشری.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- دانایی، مریم و دیگران (۱۳۸۸). بررسی وضعیت انتقال (ترجمان) دانش با تأکید بر انتقال یافته‌های پژوهشی در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سال ۸۸-۱۳۸۷. دو فصلنامه توسعه آموزش، ۲(۳)، ۹-۱۶. تاریخ دسترسی ۱۰ فروردین ۱۳۹۲. دسترس‌پذیر در:
http://www.zums.ac.ir/edujournal/browse.php?a_code=A-10-3-23&slc_lang=fa&sid=1
- رنجبر، هادی و دیگران (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۰(۳)، ۲۳۸-۲۵۰. تاریخ دسترسی ۱۰ فروردین ۱۳۹۲. دسترس‌پذیر در:
http://journals.ajaums.ac.ir/browse.php?a_code=A-10-7-496&slc_lang=fa&sid=fa&sid
- سالمی، صدیقه و دیگران (۱۳۸۹). شناسایی موانع به‌کارگیری یافته‌های تحقیقاتی در عملکرد بالینی پرستاران مراکز درمانی کشور. مجله اپیدمیولوژی ایران، ۶(۱)، ۹-۱. تاریخ دسترسی ۱۰ فروردین ۱۳۹۲. دسترس‌پذیر در:
http://journals.tums.ac.ir/upload_files/pdf/_/16168.pdf
- صدیقی، ژیلا و دیگران (۱۳۸۷). ترجمه دانش و بهره‌برداری از نتایج پژوهش. تهران: دانشگاه پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی تهران، اداره انتشارات.
- فضلی، فرزانه (۱۳۹۰). بررسی فرایند ترجمان دانش در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.

- محمدپور، احمد؛ رسول صادقی و مهدی رضایی (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق ترکیبی به‌عنوان سومین جنبش روش‌شناختی: مبانی نظری و اصول عملی. جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، ۲۱(۲)، ۷۷-۱۰۰. تاریخ دسترسی ۱۰ فروردین ۱۳۹۲. دسترس‌پذیر در:

http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/38113893805.pdf

- Brayer, S., Closs, J., Baum, G., Cooke, J., Griffiths, J., Hostick, T.,... Thompson, D. (2003). The Yorkshire BARRIERS project: diagnostic analysis of barriers to research utilization. *International Journal of Nursing Studies*, 40, 73-84. [http://dx.doi.org/10.1016/S0020-7489\(02\)00039-1](http://dx.doi.org/10.1016/S0020-7489(02)00039-1).
- CIHR: Canadian Institutes of Health Research (2013). About knowledge translation & commercialization. [online]. <http://www.cihr-irsc.gc.ca/e/29418.html>.
- Curran, J. A. (2009). Development of a Knowledge Exchange and Utilization Model for Emergency Practice. Doctoral Dissertation, department of Interdisciplinary PhD Program. Dalhousie University. Halifax, Nova Scotia: Dalhousie University. <http://hdl.handle.net/10222/12314>
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Newbury Park, CA: Sage Publications.
<http://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=2oA9aWlNeooC&oi=fnd&pg=PA5&sig=GoKaBo0eIoPy4qeqRyuoZolCqM&dq=naturalistic+inquiry&prev=http://scholar.google.com/scholar%3Fq%3Dnaturalistic%2Binquiry%26num%3D100%26hl%3Den%26lr%3D#v=onepage&q=naturalistic%20inquiry&f=false>
- Meho, L. I. (2006). E-mail interviewing in qualitative research a methodological discussion. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 57, 1284-1295. <http://dx.doi.org/10.1002/asi.20416>
- Santesso, N., & Tugwell, P. (2006). Knowledge Translation in Developing Countries. *The Journal of continuing education in the health professions*, 26(1), 87-96. <http://dx.doi.org/10.1002/chp.55>
- Tanna, G.V, Sood, M. M., Schiff, J., Schwartz, D., Naimark, D. M. (2011). DO E-Mail Alerts of New Research Increase Knowledge Translation?. A "Nephrology Now". *Academic Medicine*, 86(1), 132-138. <http://dx.doi.org/10.1097/ACM.0b013e3181ffe89e>.